: https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.78038.1179
مقالهٔ پژوهشی-مطالعهٔ موردی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال بیستم، شمارهٔ ٤، زمستان ١٤٠١، شمارهٔ پیاپی ٤١

سناریوهای توانمندسازی ساکنین فقیر بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان در افق ١٤٢٠

شیلان حیدرمنش (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران)
shillanheydarmanesh@yahoo.com
حمید صابری (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، نویسندهٔ مسئول)
h_saberi@par.iaun.ac.ir
مهری اذانی (استادیارگروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)
mehri.azani@gmail.com
امیر گندمکار (دانشیار مرکز تحقیقات گردشگری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)
aagandomkar@gmail.com

صص ١٣٢ ـ ٩٩

چکیده

از اصلی‌ترین چالش‌های پایدار در بافت‌های ناکارآمد شهری فقر اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و کالبدی-فضایی بیشتر ساکنین این بافت‌ها است. به‌کارگیری استراتژی توانمندسازی در مواجهه با فقر شهری یکی از راهکارهای پیش روی بسیاری از شهرها است. فقر بافت‌های ناکارآمد منعکس‌کننده کاستی‌ها و نارسایی‌های سیاست‌های دولت و بازار رسمی است و از عوامل عمده ناهنجاری در مناسبات شهری محسوب می‌شود. در پژوهش حاضر تلاش شده است با شناسایی

تاریخ دریافت: ١٤٠١/٠٥/١٠ تاریخ تصویب: ١٤٠١/٠٧/٢٦

عوامل استراتژیک و کلیدی مؤثر، زمینه تهیه سناریوهای محتمل برای توانمندسازی فقر بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان در افق ۱٤۲۰ فراهم آورده شود. داده‌های این پژوهش با روش ترکیبی مصاحبه با نخبگان و روش دلفی به دست آمده و طی دو مرحله عوامل اصلی مشخص، پالایش یا ترکیب شده‌اند. درنهایت، ۵۰ عامل و روند اصلی مشخص شد و از طریق پرسشنامه‌هایی، تأثیرات متقابل آن‌ها جمع‌آوری شد و با نرم‌افزار میک‌مک تحلیل شد. سرانجام ۱۵ عامل به‌عنوان پیشران‌های استراتژیک و کلیدی شناسایی شد. در مرحلهٔ بعد با ادغام روش ماتریس اثرات متقابل و نرم‌افزار سناریو ویزارد به شناسایی سناریوهای پیش روی توانمندکردن ساکنین فقیر بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان پرداخته شد. پانزده سناریو از شدت بسیار زیاد در احتمال وقوع برخوردار بودند؛ به‌طوری‌که میزان امتیاز این ۱۵ سناریو بین ۱۷ تا ۲۵ بود. پس از صحه‌گذاری و اعتبارسنجی توسط خبرگان، چهار سناریوی فاجعه، در آستانه فاجعه، ایستا و سناریوی طلایی به دست آمد. سپس وضعیت هرکدام از سناریوها با توجه به شاخص‌های استخراج‌شده با مدل گرافیکی توسط نرم‌افزار GIS ترسیم شد. نتایج نشان می‌دهد، در تمامی سناریوهای یادشده وضعیت دو شاخصه عمده فساد و قیمت مسکن در تمام سناریوها به سمت افزایش پیش خواهند رفت. به نظر می‌رسد، حتی خوش‌بینانه‌ترین تحلیل‌ها نیز گونه‌ای از مدیریت در حوزه سیاسی-اقتصادی فارغ از فساد را در نفت شهر آبادان پیش‌بینی نمی‌کنند.
کلیدواژه‌ها: توانمندسازی، فقر، بافت ناکارآمد، آبادان.

۱. مقدمه

در حال حاضر بیش از نیمی از جمعیت در شهرها ساکن هستند که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ جمعیت شهرنشین به ٦٦ درصد خواهد رسید و نزدیک به ۲٫۵ میلیارد نفر دیگر به جمعیت شهری اضافه خواهند شد. این روند شهرنشینی باعث افزایش جمعیت شهرهایی می‌شود که از قبل منابع محدود دارند (احمد و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۵۲). بافت‌های ناکارآمد و تله‌فقر موجود در آن‌ها، سیستمی پیچیده با روابط و تعاملات مبهم هستند و به‌واسطه اثرهای سوء آن، جلوگیری از گسترش این پدیده، اجرای راهبرد توانمندسازی ساکنین را طلب

می‌کند. بانک جهانی در دهه ۱۹۸۰ رهیافت توانمندسازی را برای ساماندهی اسکان‌های غیررسمی مطرح کرد که جایگزین رویکردهای تخلیه، تخریب، دادن زمین و خدمات و بهسازی‌های کالبدی شد. این رویکردها با قرار دادن اجتماعات ساکن در این مناطق در جایگاه نیازمند، مانع از رشد و توسعه آن‌ها به شکلی درون‌زا شده است. (خیرالدین، ١٤٠٠، ص. ١٢). فقر شهری و گستره فضایی آن از موضوعات چالش‌برانگیزی است که در حال حاضر گریبان‌گیر بیشتر شهرهای ایران و به‌ویژه شهرهای نفتی است.

شهر صنعتی آبادان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهرهای جدید ایجادشده در قرن بیستم در ایران است که با پیش‌بینی پذیراشدن جمعیتی بالغ‌بر ۳۰۰ هزار نفر ایجاد شد. با ورود صنعت نفت در این شهر، پالایشگاه نفت بخش‌های اصلی بافت شهری آبادان را شکل داد. سرعت رشد شهر با افزایش ظرفیت پالایشگاه افزایش یافت. شکل‌گیری بی‌نظم و خودبه‌خودی بافت شهری در کنار محلات برنامه‌ریزی‌شده و طراحی‌شده شرکت نفت، سبب دوگانگی در کل بافت شهر چه از لحاظ فضای اجتماعی و چه از نظر مدیریتی شد و آسیب‌های فراوانی در سطوح مختلف اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی به دنبال داشته است که در بیشتر زمینه‌ها این شهر با چالش‌های جدی و فراوان روبه‌رو است. با توجه به موقعیت ممتاز آبادان به لحاظ ژئوپلیتیک و نزدیکی به کشورهای عراق و کویت، مزیت‌های خدادادی، نخلستان‌ها، پالایشگاه، فرودگاه بین‌المللی، پتروشیمی، وجود رودخانه مهم و کشتی‌رانی و راه‌یابی به آب‌های آزاد بین‌المللی، اما این شهر از بیکاری، فقر و بافت ناکارآمد رنج می‌برد. در بافت ناکارآمد شهر آبادان، ساختمان‌های مخروبه، کوچه‌های آلوده، هوای آلوده ناشی از نزدیکی به پالایشگاه آبادان و معابر ناامن، رخسار مناطق سکونتی را تشکیل می‌دهند که در این محدوده اقتصاد محلی تقریباً راکد است، نوسازی و تعمیرات جذابیتی ندارد، برخی از ساختمان‌های میراث دوره استعمار ناشی از نفت (ساخت انگلیسی‌ها) و میراث ویرانی‌های جنگ تحمیلی است و از لحاظ اوضاع اجتماعی، فرهنگی و زیرساخت‌های شهری در سطح پایین قرار دارد. همچنین این محلات از لحاظ وضعیت فضایی-کالبدی با مشکلات زیادی ازجمله درآمد کم ساکنین، بیکاری فزاینده، کیفیت زیست‌محیطی پایین، استحکام نداشتن مصالح ساختمانی و... مواجه‌اند (مهندسین مشاور، ۱۳۸۹، ص. ٦٢٣)؛ بر همین اساس، با توجه

به مشکلات اجتماعی و اقتصادی حاضر در سطح محلات ناکارآمد شهر آبادان، لزوم توجه به مقوله توانمندسازی ضروری است.



شکل ۱. نقشه تحلیل فضایی فقر چندبعدی بافت ناکارآمد نفت شهر آبادان مأخذ: حیدرمنش و همکاران، ۱۴۰۱

براساس تقسیمات کالبدی شهر مشاور طرح آمایش شهر آبادان در سال ۱۳۹۰، آبادان از سه منطقه شهری، ۱۱ ناحیه و ٤٤ محله تشکیل شده است و حاوی ٤٤ محله شهری با مساحت ۵۲۳۵ هکتار و جمعیت ۱۹۵، ٥٦٧ نفر است. بیست درصد مساحت شهری و ٤۰ درصد منظر عمومی شهر آبادان دربردارنده بافت ناکارآمد است و این شهرستان از این نظر در رده سوم استان قرار دارد که بیشتر از ٦۰ هزار نفر در این محلات زندگی می‌کنند (شهرداری آبادان، ۲۰۱۰، ص. ۲۲). شکل (۱) پهنه‌بندی فقر چندبعدی در بافت ناکارآمد شهر آبادان را نشان می‌دهد. پهنه‌های خیلی فقیر با رنگ قرمز مشخص شده‌اند که بیشتر در قسمت‌های غربی و شرقی شهر تمرکز دارند و ۱۱/٥٤ درصد از مساحت منطقه را در برمی‌گیرند. پهنه‌های فقیر که ۲۲/٦ درصد مساحت را در بر گرفته‌اند، با رنگ نارنجی مشخص شده‌اند که بیشتر در

قسمت‌های شمالی (محله‌های سلیچ غربی، فیه، کـوی ملـت و شـاه‌آباد)، غربـی (محلـه‌هـای احمدآباد و بریم) و شرقی (محله‌های الوانیـه و ذوالفقـاری) شـهر قـرار دارنـد (حیـدرمنش و همکاران، ۱٤۰۱، ص. ۱۸). این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالات زیـر اسـت: ۱. سـناریوهای محتمل برای توانمندسازی ساکنین فقیر بافت‌های ناکارآمد کدام‌اند؟ ۲. سـناریوهای ممکـن و مطلوب برای توانمندسازی ساکنین فقیر بافت ناکارآمد شهر آبادان بـا اتکـا بـر چـه نـوع بعـد توانمندسازی خواهند بود؟

۲. پیشینهٔ تحقیق

دربارهٔ سناریونگاری توانمندسازی ساکنین فقیر بافت‌های ناکارآمد پژوهشی انجام نشـده و تنها پژوهش‌های مشابه بسیار کمی انجام گرفته‌اند؛ به‌ویژه ترسیم سـناریوهای محتمـل نهـایی به‌دست‌آمده با استفاده از نقشه جغرافیایی (مدل گرافیکی) برای نخستین بار است کـه چـه در موضوع پژوهش‌شده و چه در سایر موضوعات مختلف انجـام مـی‌شـود. در سـال‌های اخیـر، توانمندسازی با تأثیرپذیری از جریان‌های تغییر رویکرد در مبارزه با فقر در سطح بین‌الملل، در مراکز علمی ایران نیز مد نظر قرار گرفته و پژوهش‌های متعددی انجام شده‌اند که در ادامـه بـه مرتبط‌ترین آن‌ها اشاره شده است.

در پژوهش ایان سی فیلاکاتی[1] (۲۰۲۲) با عنوان «رشد اقتصادی و فقر آن در زامبیا ۲۰۰٦–۲۰۱۵: تا چه حد بوده است؟» درباره این واقعیت که میزان مزایـای رشـد اقتصـادی بـه همـه اقشار جامعه به‌ویژه اقشار فقیر سرازیر می‌شود، بحث شده است. بررسی‌های نظارتی و تجربی اندازه‌گیری رشد اقتصادی حامی فقرا در زامبیا در دوره ۲۰۰٦–۲۰۱۵ نشـان داد، بـه‌رغم رشـد اقتصادی مثبت در این دوره و کاهش آهسته نرخ فقر، فقرا در زامبیا در مقایسه با افراد غیرفقیر از چنین رشدی سود کمتری کسب کردند. ایکو پرستوو[2] (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنـوان «مـدل ساده کاهش فقر در اندونزی» به‌دنبال تبیین تئوری و تجربی یک مدل ساده کاهش فقر شهری بود. این تحقیق یک مدل اثر ثابت و تکنیک‌های تحلیل مسیر را بـا اسـتفاده از داده‌هـای پانـل

---
1. Ian C Filacati
2. Echo Prestvo

منطقه‌ای از ۳۵ منطقه و شهر در سال‌های ۲۰۱۷–۲۰۲۰ در جاوه مرکزی، اندونزی اعمال کرده است. نتایج نشان داد، اینکه نظریه کینزی بیان می‌کند بیکاری باعث فقر می‌شود، معتبر و مرتبط است؛ درحالی‌که بیانیه رشد اقتصادی که مؤثرترین جنبه در کاهش فقر است، کاملاً درست نیست. عبدالرحمن قاس (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای کیفی با عنوان «تقویت فقرا به سمت توسعه پایدار: مطالعه موردی رویکرد گروهی خودیاری در سومالی (نمونه موردمطالعه: گروه خودیاری شگا)» هدف پژوهش را بررسی تأثیر گروه‌های خودیاری در رسیدن به توسعه پایدار ذکر کرد؛ اینکه تشکیل گروه خودیاری به اسم شگا[1] که به‌نوعی جنبش توسعه‌محور است، چگونه در دستیابی به رشد اقتصادی فراگیر کمک می‌کند. نتایج نشان داد، شگا از طریق ایجاد جوامعی با وابستگی متقابل و اعتماد متقابل که یک شبکه ایمن اجتماعی ایجاد کرده و از فرایندهای اقتصادی از طریق وام، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری‌های احتمالی در میان اعضای شگا پشتیبانی می‌کند، اعضای خود را از نظر اجتماعی و اقتصادی توانمند می‌کند. عیسی‌زاده و همکاران (۱٤۰۱) در پژوهشی با عنوان «توانمندسازی محلات دارای فقر شهری، منطقه ۱۹ شهرداری تهران» با استفاده از مدل کمی سطح‌بندی ویکور، نرم‌افزار ArcGIS و مدل QSPM در تعیین راهبردها به این نتیجه رسیدند که فقر شهری در محله‌های حاشیه تمرکز یافته است. خان‌محمدی و همکاران (۱٤۰۰) به تدوین سناریوهای آینده اسکان غیررسمی حریم جنوبی تهران با روش تحلیلی- اکتشافی با نرم‌افزارهای میک‌مک و سناریو ویزارد پرداختند. نتایج نشان داد، اسکان غیررسمی در تهران و حریم آن از تغییرات و سیاست‌گذاری‌های کلان کشوری تأثیر گرفته است. ایمانپور و همکاران (۱٤۰۰) پژوهشی درباره تحلیل سناریوهای اسکان غیررسمی در شهرهای شمال شرق ایران (شهر بجنورد) با روش کیفی و نرم‌افزار میک‌مک[2] انجام دادند. بر پایه روش تحلیل اثرات متقاطع و ارائه سناریوهایی با استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد، درمجموع شش عامل شامل رشد جمعیت، تداوم مهاجرت به شهرها، دسترسی به مراکز مهم، وجود مزیت‌های محله برای مهاجرین

1. SHGA
2. Micmac

کم‌درآمد از قبیل ارزان بودن زمین، وجود جاده اصلی، بیکاری و ضعف مدیریت شهری به‌عنوان پیشران‌های کلیدی تأثیرگذار انتخاب شدند.

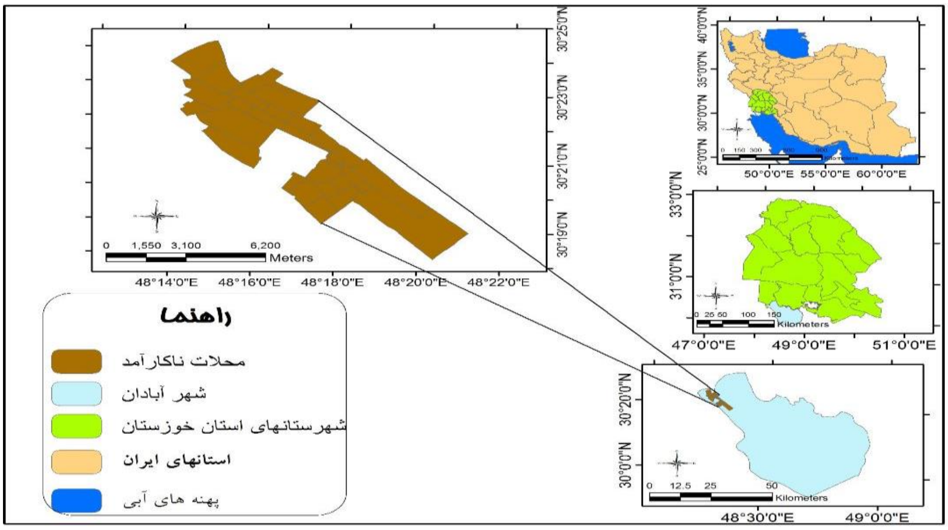
۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش براساس هدف توسعه‌ای-کاربردی، از لحاظ روش گردآوری پیمایشی، برمبنای ماهیت داده از نوع کیفی و براساس روش‌های جدید علم آینده‌پژوهی، تحلیلی-اکتشافی است که با استفاده از مدل‌های کمی و کیفی انجام شده است. اطلاعات موردنیاز با ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه جمع‌آوری شده است. طی مصاحبه‌ای که با مشارکت ۱۰ نفر از کارشناسان ارشد و مدیران شهری صورت گرفت، برخی روندها و رویدادهای کلیدی مؤثر شناسایی شدند. در مرحله بعد از اعضای جامعه آماری طی فرایند دومرحله‌ای دلفی خواسته شد تا روندهای مؤثر بر آینده توانمندسازی فقر شهری در بافت‌های ناکارآمد شهر آبادان تا افق ۱٤۲۰ را بیان کنند. در این مرحله با استفاده از پرسشنامه باز به شناسایی روندهای مؤثر بر آینده توانمندسازی فقر شهری در بافت‌های ناکارآمد شهر آبادان اقدام شد. در مرحله دوم، میزان موافقت صاحب‌نظران (٦٤ نفر از اعضای جامعه آماری) نسبت به متغیرهای استخراج شده با استفاده از پرسشنامه پنج طیفی لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفت. معیارهای انتخاب خبرگان عبارت بود از تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی. متغیرهای استخراج‌شده با استفاده از پرسشنامه پنج طیفی لیکرت ارزیابی شدند. در ادامه به‌منظور بررسی و تأیید یا رد روندهای استخراج‌شده در دور دوم، از آزمون فرض استفاده شد تا مشخص شود آزمون پارامتری استفاده شود یا ناپارامتری. در همین راستا، ابتدا آزمون نرمالیته کولموگروف-اسمیرنوف انجام شد. براساس نتیجه آزمون با توجه به اینکه مقدار معناداری (Sig) تمامی عوامل بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بود. بنابراین توزیع همه عوامل غیرنرمال بود؛ و از آزمون‌های ناپارامتری استفاده شد؛ ازاین‌رو برای تعیین روندهای مؤثر بر آینده توانمندسازی فقر بافت‌های ناکارآمد شهر آبادان از آزمون ناپارامتری نسبت استفاده شد. در دور دوم بیش از ۵۰ درصد اعضا، روندهای مدنظر برای شناسایی عوامل مؤثر بر آینده توانمندسازی فقر شهری در بافت‌های ناکارآمد شهری در شهر آبادان در افق ۱٤۲۰ را که

دارای میانگین بزرگ‌تر از ۳ بودند، در میان عوامل مدنظر خود برگزیدند. ضریب هماهنگی کندال برای پاسخ‌های اعضا درباره ترتیب عوامل در دور دوم، ۰٫٦۲۹ بود. با توجه به اینکه تعداد اعضای نمونه بیش از ده نفر بود، این میزان از ضریب کندال کاملاً معنادار به حساب می‌آید. ضریب هماهنگی کندال برای ترتیب روندهای مؤثر بر آینده توانمندسازی فقر شهری در بافت‌های ناکارآمد شهری در شهر آبادان، در دور دوم در مقایسه با دور اول فقط ٤۹ درصد افزایش یافت که این ضریب یا میزان اتفاق‌نظر میان اعضای نمونه آماری در میان دو دور متوالی، رشد چشمگیری داشت. در این تحلیل، دو نوع اثر مستقیم و غیرمستقیم از هم تفکیک می‌شوند و آثار مستقیم از نتیجه تحلیل تأثیرات عوامل بر یکدیگر به دست می‌آید و آثار غیرمستقیم از طریق توان‌های ٤، ۳، ۲ و... عوامل محاسبه می‌شود. با توجه به نتایج دور دوم دلفی که نشان می‌دهد درباره ۵۰ روند انتخاب‌شده میزان موافقت خبرگان بیشتر از ۵۰ درصد است و نتایج دورهای دوگانه اجرای روش دلفی در پژوهش که نشان می‌دهد اتفاق‌نظر میان اعضای نمونه آماری حاصل شده است و می‌توان به تکرار دورها پایان داد، با تحلیل‌های میک‌مک و استخراج عوامل اصلی می‌توان روابط بین متغیرها را نیز بررسی کرد و به تهیه سناریوهای آینده پرداخت. برخی عوامل کلیدی که با همدیگر ارتباط‌های تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده دارند، در کنار یکدیگر سناریوی خاصی را به وجود می‌آورند. این وضعیت با تغییرات اندک در سایر ویژگی‌های هریک از عوامل کلیدی، به شکل‌گیری سناریوهای جدید می‌انجامد که میزان و تعداد آن‌ها به درجه تغییرات هریک از عوامل اصلی در آینده بستگی دارد (وایمر[1]،ولفانگ[2]، ۲۰۰٦). در پژوهش حاضر از روش تحلیل ساختاری برای استخراج عوامل کلیدی و از روش تحلیل بالانس اثرات متقابل برای سناریونویسی استفاده شد. ابزار تحلیل ساختاری، نرم‌افزار میک‌مک و ابزار تحلیل بالانس اثرات متقابل، نرم‌افزار سناریو ویزارد است. سپس برای تجسم بهتر سناریوهای محتمل و درک بهتر سیستم، مدل کارتوگرافی (نقشه) تحقق سناریوهای افق ۱٤۲۰ توانمندسازی ساکنین فقیر بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان تولید شد. برای این کار با توجه به روند وضعیت مطلوب، نامطلوب و ایستای سناریوها

1. Weimer
2. Wolfgang

و پیش‌بینی درصد و وزن هرکدام از شاخص‌ها، در هر سناریو توسط ۳۵ نفر از خبرگان در گرایش‌های مختلف برنامه‌ریزی شهری، جامعه‌شناسی، آینده‌پژوهی و جغرافیایی-شهری امتیازدهی انجام گرفت و تلفیقی از داده‌های مکانی و داده‌های توصیفی در لایه‌های اطلاعاتی موجود اعمال شد. سناریوهای توانمندسازی فقر بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان حاوی ویژگی‌های جغرافیایی هستند یا در فضای جغرافیایی قرار می‌گیرند و تولید یا محقق می‌شوند؛ بنابراین مدل گرافیکی نقش محوری در تجسم سناریوها برای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت دارد. تجسم سناریوها اغلب و به‌طور مؤثر برای برقراری ارتباط و ارائه اطلاعات استفاده می‌شود. مدل گرافیکی نتایج سناریوها با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و ترسیم نقشه پهنه‌بندی در برنامه‌ریزی برای توانمندسازی ساکنین فقیر بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان -ایجاد بینش و دانش جدید- است که طراحی سناریوها را به ابزار ضروری تبدیل می‌کند و تولید مدل گرافیکی را برای درک سناریوهای استراتژیک آینده حیاتی می‌کند. اگرچه تجسم سناریوها چالش‌های متعددی دارد، متخصصان انسانی می‌توانند از تجسم به‌طور کلی، و نقشه‌برداری به‌طور خاص، با کمک رابطها و نرم‌افزارهای طراحی‌شده برای این منظور، برای کاوش و تحلیل مؤثر آینده‌نگاری به روش توسعه سناریو استفاده کنند.



شکل ۲. موقعیت محلات ناکارآمد شهر آبادان

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱

۳. ۱. معرفی بستر پژوهش

شهر آبادان به مرکزیت شهرستان آبادان در مختصات جغرافیایی ٤۸ درجه و ۲۱ دقیقه تا ۱۳ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۲۰ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی و در ارتفاع ۱ تا ۳ متری از سطح دریا واقع شده است. مساحت شهر ۵۳۲۵ هکتار است (شیرازی، ۱۳۹۰، ص. ۹۰) محدوده موردمطالعه در این پژوهش، محلات ناکارآمد (فرسوده) شهر آبادان است. بافت فرسوده شهر آبادان که در این پژوهش به‌عنوان بافت ناکارآمد بیان می‌شود، براساس تقسیمات شهرداری شهر آبادان دارای ۳۳ محله است.

٤. مبانی نظری تحقیق

٤. ۱. مفهوم توانمندسازی

واژهٔ توانمندسازی[1] به معنای دادن قدرت یا اختیار به شخصی برای انجام عملی است و بر توانمندسازی فردی دلالت دارد. این واژه اولین بار در سال ۱۷۸۸ میلادی کاربرد داشت (شاطریان و همکاران، ۱۳۹٦، ص. ۱۲۰). در گفتمان توسعه، مفهوم توانمندسازی بازگوی رویکرد توسعه‌ای پایین به بالا و توسعه درون‌زا است. (زاهدی، ۱۳۸۸، ص. ٤٦). از راه این فرایند، افراد جامعه از نیازها و خواسته‌های خود آگاه هستند، نوعی اعتمادبه‌نفس و خوداتکایی برای برطرف کردن نیازها دارند و براساس آن از توانایی لازم برای تحقق اهداف خود برخوردار می‌شوند (صالحی و خدایی، ۱۳۹۰ ص ۱۲). این تعاریف در ارزش‌ها و باورهای نظام‌های محلی نهفته هستند. توانمندسازی یک ارزش ذاتی[2] است که ارزش ابزاری[3] نیز دارد؛ درنتیجه این مفهوم به معنای کنترل بر منابع و تصمیم‌ها است. آزادی فقرا، به‌شدت از طریق نبود امکان ابراز نظر و بی‌قدرتی، به‌ویژه از سوی دولت‌ها و بازارها تهدید می‌شود (بانک جهانی، ۱۳۹٤). چن[4] (۲۰۰٤) توانمندی را با تحول در منابع، برداشت‌ها و روابط قدرت مشخص می‌کند (شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸٤). رابرت چمبرز در بحث تله محرومیت، با

1. Empowerment
2. Intrinsic value
3. Instrumental value
4. Chen

بررسی خانواده‌های فقیر و محیط اطراف آن‌ها دریافت که یک دسته موانع به هم گره می‌خورند و باعث تشدید فقر در جامعه می‌شوند که توانمندسازی در جهت نابودی این تله است.

جدول ۱. نظریه‌های توانمندسازی در یک نگاه

مأخذ: معیدفر، ۱۳۹٤

دیدگاه‌ها		ابعاد	معیارها	نظریه‌پردازان
مکانیکی		قدرتمند کردن افراد	تفویض قدرت به زیردستان	فوی[1] (۱۹۹۷)، بلانچارد[2] و همکاران (۱۹۹٦)، شوول[3] (۱۹۹۳)
ارگانیکی	انگیزشی	افزایش انگیزه	احساس خودکارآمدگی (شایستگی)	کانگر[4] و کاتانگو[5] (۱۹۹۸)
	شناختی	افزایش انگیزش درونی	احساس شایستگی احساس معنادار بودن احساس مؤثر بودن احساس آزادی عمل	توماس و ولتهوس[6] (۱۹۹۰) اسپریتزر[7] (۱۹۹۵)
			احساس اعتماد	وتن و کمرون[8] (۱۹۹۸)

مرور تعاریف و نظریه‌های توانمندسازی نشان می‌دهد، توانمندسازی بر مسائل دستیابی به قدرت و توانمندی و کنترل بر تصمیم‌ها و منابعی تأکید دارد که نقش تعیین‌کننده بر زندگی افراد فقیر دارند. دولت‌ها و بازارها می‌توانند حامی یا دشمن فقرا باشند. دولت‌های فاسد و بازارهای ناشفاف، دشمنان فقرا هستند (نارایان[9] و همکاران، ۲۰۰۰)؛ بنابراین سالم‌سازی دولت و بازار بزرگ‌ترین خدمتی است که می‌توان برای کاهش فقر تصور

1. foi
2. Blanchard
3. Shawl
4. Conger
5. Katango
6. Thomas and Wolthouse
7. spritzer
8. Veton and Cameron
9. Narayan

کرد. سالم‌سازی دولت، پروژه‌ای است که درک آن بسیار ساده است. دولت‌هایی که در توانمندسازی فقرا مصمم هستند، به اصلاح نظام‌های اجرایی و قضایی خود دست زده‌اند. کلید و نقطه شروع این اصلاحات، اراده دولت برای تغییر است و به نظر می‌رسد، اگر سیاست‌مداران برای کاهش فساد عزم خود را جزم کرده باشند، ادامه راه روشن است. شفاف‌سازی بودجه، پیاده‌سازی دولت الکترونیک، تقویت نظارت مردمی و... بخشی از سیاست‌های سالم‌سازی دولت‌ها هستند که کم و بیش در کشورهای مختلف آزمایش شده و پاسخ داده‌اند. طراحی بازاری که حامی فقرا باشد، به لحاظ مفهومی و عملی پیچیده است. فقرا نمی‌توانند مانند رقبای خود از نظام بانکی تسهیلات بگیرند؛ زیرا دارایی آن‌ها فاقد ثبت رسمی است یا آنکه اساساً دارایی چشمگیری برای وثیقه گذاشتن ندارند. فقرا نمی‌توانند محصولات خود را به بازارهای دور یا بازارهایی عرضه کنند که کالاهای آن‌ها را به قیمت مناسب خریداری می‌کنند. تولیدکنندگان فقیر در برابر تأمین‌کنندگان مواد واسطه‌ای قدرت چانه‌زنی ندارند و به‌علت کوچک بودن نمی‌توانند مهارت فنی نیروی انسانی خود را ارتقاء بخشند و آن‌ها را متناسب با تحولات فناوری آموزش دهند؛ ازاین‌رو در چنین وضعیتی فقرا از بازار حذف می‌شوند (بانک جهانی، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۳). سیاست اصلی دولت‌ها ازجمله دولت ایران برای جلوگیری از حذف فقرا، پرداخت یارانه به اشکال مختلف است که چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. دولت با همکاری فقرا یا جامعه هدف، نهادهایی را طراحی کند که فقرا بتوانند در صحنه رقابت بدرخشند یا حداقل حذف نشوند و به درآمد و مزیتی پایدار دست یابند، اما باید تأکید کرد که توانمندسازی، به‌ویژه توانمندسازی افراد فقیر -به‌جای یک واقعیت- به‌عنوان یک آرمان در بیشتر کشورهای درحال‌توسعه همچنان مطرح است. مطالعات درباره رساندن صدای فقرا که در ٦٠ کشور انجام شد، نشان داده است که به‌رغم تفاوت‌های فاحش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این کشورها، توانایی نداشتن و نارسایی صدای اقشار فقیر از مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک در این کشورهاست (کریشنا[1] و همکاران، ۲۰۰۰)؛ بنابراین اتخاذ تدابیر مناسب برای ارتقای توانمندی یکی از چالش‌های اساسی فراروی کشورهای درحال‌توسعه است. این مسئله چالش

1. Krishna

اخلاقی و چالش عملی سخت است. کاهش ناتوانی و استیصال افراد فقیر و آزاد کردن انرژی مردم برای نقش‌آفرینی بیشتر در جامعه از طریق توانمندسازی، دو روی یک سکه هستند که نه‌تنها دروندادها و موتور محرکه اصلی توسعه اثربخش قلمداد می‌شوند، بلکه معیاری هستند که تلاش‌های توسعه در قرن بیست‌ویکم براساس آن قضاوت خواهد شد (نارایان و همکاران، ۱۹۹۹).

٤. ۲. بافت‌های ناکارآمد شهری

بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری بخش درخور توجهی از سطح شهرهای کشور را تشکیل می‌دهند. این بافت‌ها از یک سو از طیف گسترده مشکلات کالبدی، عملکردی، ترافیکی و زیست‌محیطی رنج می‌برند و از سوی دیگر مهم‌ترین ظرفیت شهرها برای استفاده از زمین برای اسکان جمعیت، تأمین فضاهای باز خدماتی و نیز بهبود زیست‌محیطی محسوب می‌شوند. همچنین مشکلات کالبدی که بافت‌های قدیمی با آن روبه‌رو هستند، فرسودگی شدید بناها، مشکلات مربوط به شبکه معابر نامنظم و ناکافی در بافت، تراکم و پیوستگی اجزای بافت، مسائل و مشکلات مربوط به تیپ و نوع بناهای مسکونی، مسائل ناشی از مصالح به‌کاررفته، نحوه مرمت بناها و کمبود خدمات و تأسیسات و تسهیلات شهری و زیربنایی و... هستند که بافت قدیمی شهرها را در پاسخگویی به نیازهای امروزی زندگی دچار نارسایی‌های کرده است (شماعی و پوراحمد، ١٣٨٤، ص. ۱۲۳). بافت ناکارآمد شهری به عرصه‌هایی از محدودهٔ قانونی شهرها گفته می‌شود که به‌دلیل فرسودگی کالبدی، برخورداری نامناسب از دسترسی سواره، تأسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیرند و ارزش مکانی، محیطی، و اقتصادی کم دارند (پوراحمد و کلانتری، ١٣٨٤، صص. ۳۰-۳۱)

۵. یافته‌های تحقیق

شناخت پیشران‌های استراتژیک، یکی از مهم‌ترین مراحل برنامه ریزی برپایه سناریو است؛ بر این اساس، به‌منظور آشنایی ابتدا اسناد بالادستی و مطالعات در زمینه پژوهش مطالعه شد و عوامل مهم اثرگذار شناسایی شد. سپس طی مصاحبه‌ای که با مشارکت ۱۲ نفر از کارشناسان ارشد در سازمان‌های شهری آبادان انجام شد، روندها و رویدادهای کلیدی مؤثر دیگری نیز

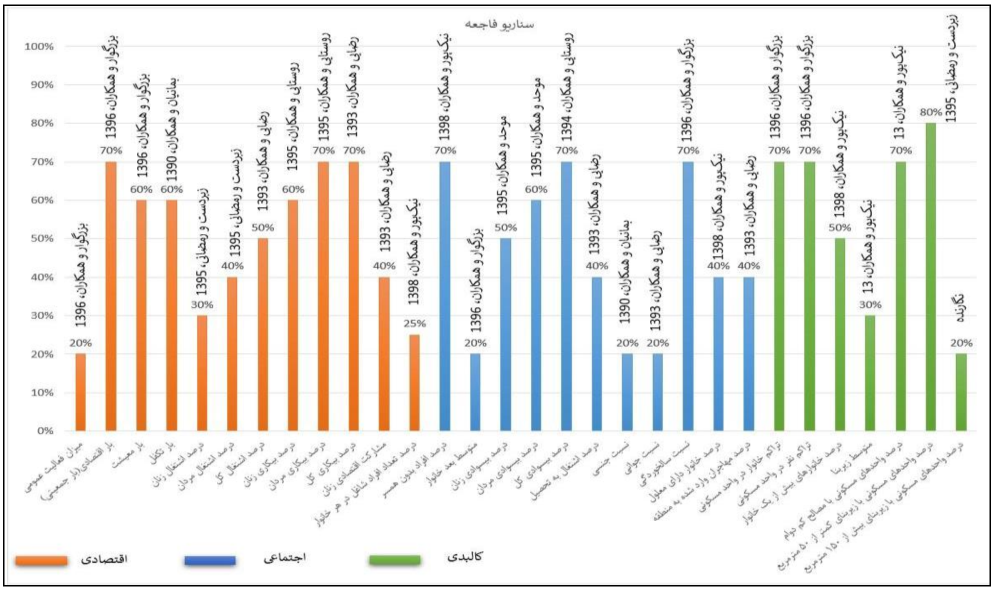
شناسایی شدند. پس از آن، طی یک مطالعه و تحلیل کیفی که بـا مشـارکت ٦٤ نفـر از اسـاتید دانشگاه‌های کشور، متخصصان اقتصادی و مدیریت شهری، مهندسان شهرسازی و کارشناسان صاحب‌نظر انجام شد، از مجموع گزاره‌های ذکرشده دربـاره رویـدادها و رونـدهای مـؤثر، در مرحلـه نخسـت، ۱۸۰ عامـل را در مؤلفـه‌های اقتصـادی، اجتمـاعی، کالبـدی، مـدیریتی و کلان‌روندها دسته‌بندی کردند. سپس در دلفی مرحله اول و مرحله دوم، عوامل مشابه را با هـم ترکیب کردند و عوامل غیرمؤثر حذف شدند و درنهایـت، ۵۰ عامـل بـه‌عنوان عوامـل مهـم و روندهای مؤثر شناسایی شدند و با استفاده از تحلیل ساختاری ٦ عامـل بـه‌عنوان پیشـران‌های استراتژیک و ۹ متغیر به‌عنوان پیشران کلیدی شناسایی شدند. در نمودارهای زیر شـاخص‌های استفاده‌شده و درصد هرکدام از این شاخص‌ها در نتیجهٔ وزن‌دهی خبرگان با اسـتفاده از روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی[1] انجام گرفته است. درواقع، با ارائه درصد شـاخص‌ها در وضـعیت موجود بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان، روند و قالب هرکدام از سناریو در افق بیست‌ساله به خبرگان پژوهش، وزن‌دهی و مقایسه‌های زوجی انجام شده است. درنهایت، درصد هرکـدام از شاخص‌های سه مؤلفه افتصای، اجتماعی، کالبدی مشخص شده است.

جدول ۲. شاخص‌های استفاده‌شده در تحلیل فضایی نقشه سناریوها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

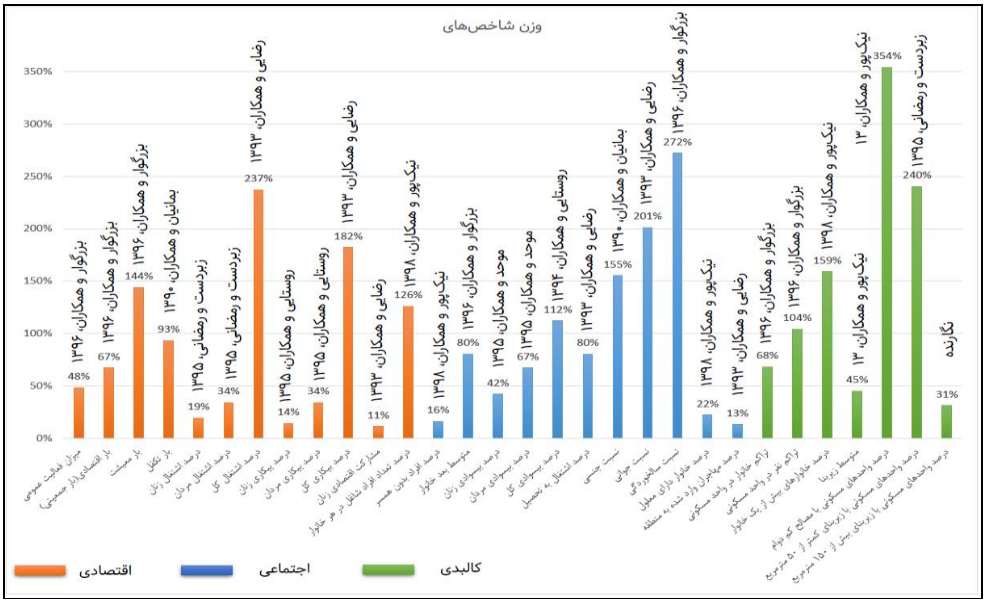
شاخص‌ها	مؤلفه‌ها
عوامل اجتماعی	درصد افراد بدون همسر- متوسط بعد خانوار- درصد بی‌سوادی زنان- درصد بی‌سوادی مردان- درصد بی‌سوادی کل- درصد اشتغال به تحصیل- نسبت جنسی- نسبت جوانی- نسبت سالخوردگی- درصد خانوار دارای معلول- درصد مهاجران وارد شده به منطقه
عوامل اقتصادی	میزان فعالیت عمومی- بار اقتصادی (بار جمعیتی)- بار معیشت- بارتکفل- درصد اشتغال زنان-درصد اشتغال مردان-درصد اشتغال کل- درصد بیکاری زنان- درصد بیکاری مردان- درصد بیکاری کل- مشارکت اقتصادی زنان- درصد تعداد افراد شاغل در هر خانوار
عوامل کالبدی	تراکم خانوار در واحد مسکونی- تراکم نفر در واحد مسکونی- درصد خانوارهای بیش از یک خانوار- متوسط زیربنا- درصد واحدهای مسکونی با مصالح کم‌دوام- درصد واحدهای مسکونی با زیربنای کمتر از ۵۰ مترمربع- درصد واحدهای مسکونی با زیربنای بیش از ۱۵۰ مترمربع

1. Analytical Hierarchy process



شکل ۳. نمودار وزن شاخص‌های استفاده‌شده در نقشه سناریوی فاجعه

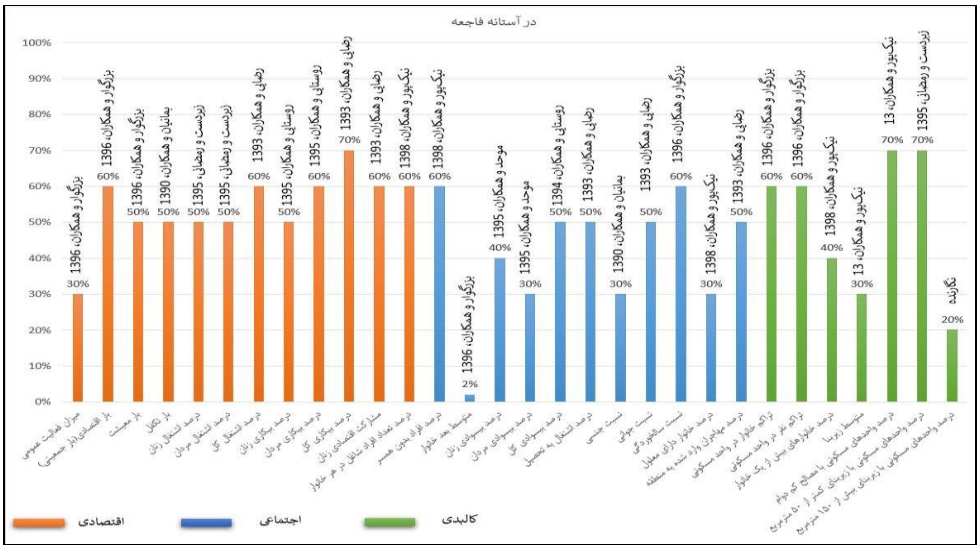
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱



شکل ٤. نمودار شاخص‌های استفاده‌شده در نقشه سناریوی ایستا (وضعیت موجود)

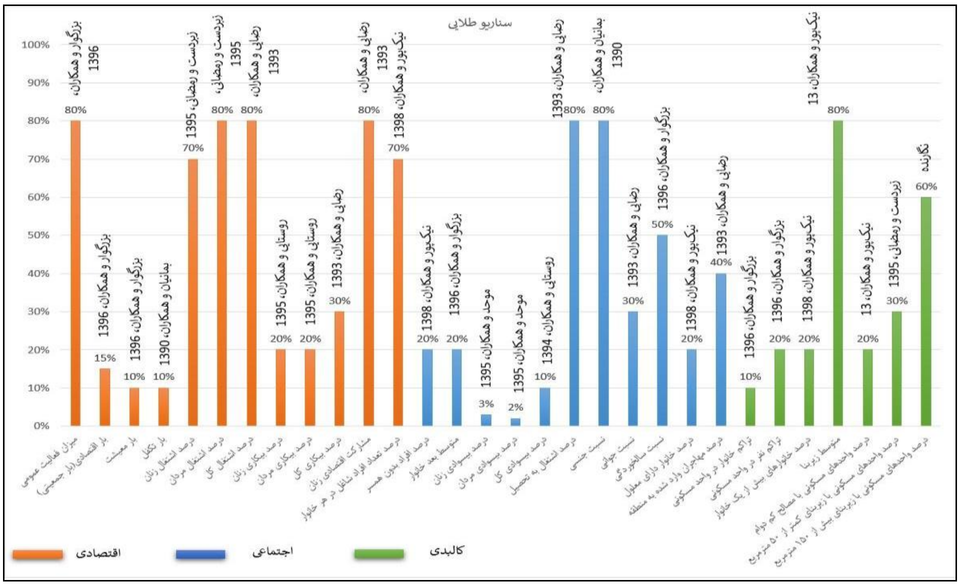
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

متغیرهای ناحیه ۱ شبکه مختصات، پیشران‌های استراتژیک هستند؛ زیرا هم قابلیت کنترل توسط سیستم مدیریتی را دارند و هم بر سیستم تأثیرگذاری قابل‌قبول دارند. درواقع، هرچه از ابتدای ناحیه ۳ به سمت انتهای ناحیه ۱ شبکه مختصات نزدیک‌تر می‌شویم، بر میزان اهمیت و استراتژیک بودن پیشران افزوده می‌شود. این پیشران‌های استراتژیک در این پژوهش عبارت‌اند از: ارتقای سرمایه انسانی فقرا (بهداشت، آموزش، تغذیه)، نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی، تدوین راهبردهای ملی کاهش فقر شهری، کاهش تورم، کاهش فساد، سرمایه‌گذاری دولت در کاهش فقر و سرمایه‌گذاری در حوزه مسکن.



شکل ۵. نمودار شاخص‌های استفاده‌شده درنقشه سناریوی در آستانه فاجعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱



شکل ٦. نمودار شاخص‌های استفاده‌شده در نقشه سناریوی طلایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠١

جدول ۳. عوامل کلیدی تأثیرگذار (مستقیم و غیرمستقیم)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠١

عوامل کلیدی (تأثیرات مستقیم)	اختصار	رتبه	عوامل کلیدی (تأثیرات غیرمستقیم)	رتبه
تدوین راهبردهای ملی کاهش فقر شهری (استراتژیک)	C.N.S	۱ (۱۲۳)	تدوین راهبردهای ملی کاهش فقر شهری	۸۳۷۰٦٦
ارتقای سرمایه انسانی فقرا (بهداشت، آموزش، تغذیه) (استراتژیک)	H.CAP	۲ (۱۲۳)	ارتقای سرمایه انسانی فقرا (بهداشت، آموزش، تغذیه)	۷۹۵۳۵۲
کاهش تورم (استراتژیک)	R.INFLA	۳ (۱۲۰)	کاهش تورم	۸٦۱۲۹۸
نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی (استراتژیک)	I.S.P	٤ (۱۱۹)	نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی	۸۳۷۰٦٦
سرمایه‌گذاری در حوزه مسکن (استراتژیک)	H.IN	۵ (۱۱۸)	سرمایه‌گذاری در حوزه مسکن	۸۲۹۹۹٤
سرمایه‌گذاری دولت در کاهش فقر شهری (استراتژیک)	COVER.IN	٦ (۱۱۵)	بهبود فضای کسب‌وکار	۸۲۲۵۱۲

عوامل کلیدی (تأثیرات مستقیم)	اختصار	رتبه	عوامل کلیدی (تأثیرات غیرمستقیم)	رتبه
بهبود فضای کسب‌وکار	IMP.BUS	(۱۱۳)- ۷	سرمایه‌گذاری دولت در کاهش فقر شهری	۸۰۹۲۸۵
حکمرانی خوب شهری	G.RUL	(۱۱۰) ۸	حکمرانی خوب شهری	۷۷۵۰٤۵
کاهش بیکاری	R.PLOY	(۱۰٦) ۹	کاهش فساد	۷٦۲۹۱۸
کاهش فساد	RE.CORR	(۱۰٦) ۹	کاهش بیکاری	۷٦۱٦۹۳
الگوی غالب اشتغال در آینده	D.P.F	(۱۰۳) ۱۰	الگوی غالب اشتغال در آینده	۷۳۸٤۱٤
توسعه منطقه آزاد اروند	Ar.d	(۹۸) ۱۱	توسعه منطقه آزاد اروند	۷۲٤۹۰۱
رونق و توانمندسازی بخش تعاون	PRO.COOP	(۹٤) ۱۲	رونق و توانمندسازی بخش تعاون	٦۸۹۵۳۵
شفاف‌شدن سیاست‌های کلان اقتصادی در پی افزایش مشارکت اجتماعی	I.CAPA	(۸۵) ۱۲	قیمت مسکن	٦٤٤۳٦۸
قیمت مسکن	H.pric	(۸۸) ۱۲	شفاف‌شدن سیاست‌های کلان اقتصادی در پی افزایش مشارکت اجتماعی	٦۸۹۵۳۵

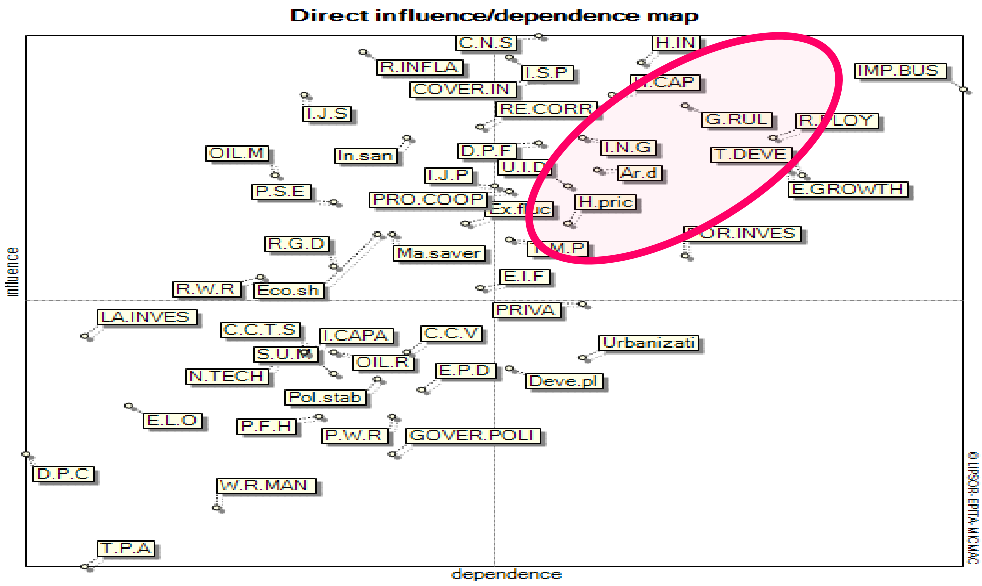
جدول ٤. عوامل استراتژیک و کلیدی و وضعیت‌های احتمالی آن‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

پیشران‌های استراتژیک و کلیدی	شرح حالت‌های احتمالی	وضعیت	اختصار
ارتقای سرمایه انسانی فقرا (بهداشت، آموزش، تغذیه)	ارتقا نیافتن سرمایه انسانی	فاجعه	A1
	ادامه روند فعلی	میانه	A2
	ارتقای سرمایه انسانی	مطلوب	A3
نهادینه‌سازی مشارکت اجتماعی	کاهش	فاجعه	B1
	ادامه روند فعلی	میانه	B2
	گسترش	مطلوب	B3
تدوین راهبردهای ملی کاهش فقر شهری	تدوین نشدن	فاجعه	C1
	ادامه روند فعلی	میانه	C2
	تدوین	مطلوب	C3
فضای کسب‌وکار	افول فضای کسب‌وکار	فاجعه	D1

پیشران‌های استراتژیک و کلیدی	شرح حالت‌های احتمالی	وضعیت	اختصار
	ادامه روند فعلی	میانه	D2
	بهبود فضای کسب‌وکار	مطلوب	D3
تورم	افزایش	فاجعه	E1
	ادامه روند فعلی	میانه	E2
	کاهش	مطلوب	E3
سرمایه گذاری دولت برای کاهش فقر	کاهش	فاجعه	F1
	ادامه روند فعلی	میانه	F2
	افزایش	مطلوب	F3
منطقه آزاد اروند	توسعه نیافتن	فاجعه	G1
	ادامه روند فعلی	میانه	G2
	توسعه	مطلوب	G3
فساد	افزایش	فاجعه	H1
	ادامه روند فعلی	میانه	H2
	کاهش	مطلوب	H3
سرمایه‌گذاری در حوزه مسکن	کاهش	فاجعه	I1
	ادامه روند فعلی	میانه	I2
	افزایش	مطلوب	I3
حکمرانی شهری	حکمرانی بد	فاجعه	J1
	ادامه روند فعلی	میانه	J2
	حکمرانی خوب	مطلوب	J3
بیکاری	افزایش	فاجعه	K1
	ادامه روند فعلی	میانه	K2
	کاهش	مطلوب	K3
الگوی غالب اشتغال در آینده	نامتناسب و سنتی	فاجعه	L1
	ادامه روند فعلی	میانه	L2
	متناسب و دانش بنیان	مطلوب	L3
توانمندسازی بخش تعاون	افول	فاجعه	M1
	ادامه روند فعلی	میانه	M2
	رونق	مطلوب	M3
سیاست‌های کلان اقتصادی در پی	نبود شفافیت	فاجعه	N1

پیشران‌های استراتژیک و کلیدی	شرح حالت‌های احتمالی	وضعیت	اختصار
افزایش مشارکت اجتماعی	ادامه روند فعلی	میانه	N2
	شفاف شدن	مطلوب	N3
قیمت مسکن	افزایش	فاجعه	O1
	ادامه روند فعلی	میانه	O2
	کاهش	مطلوب	O3



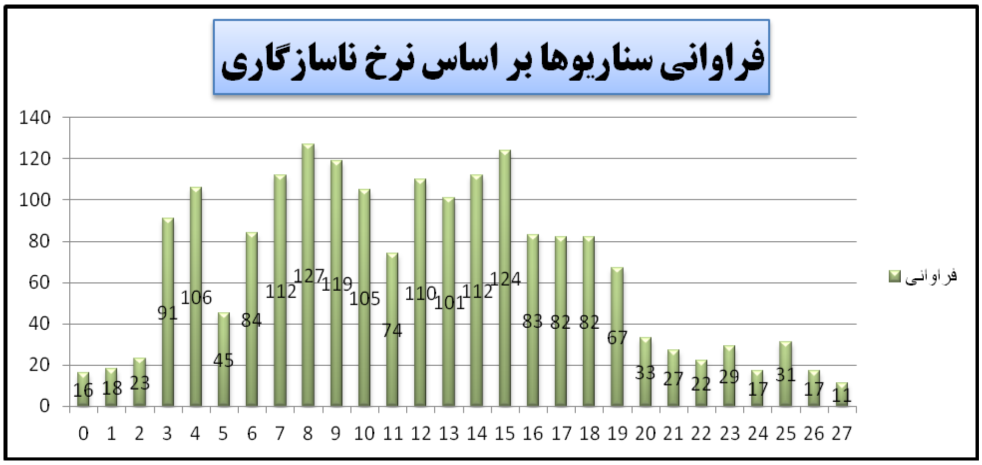
شکل ۷. نقشه پراکندگی و جایگاه متغیرها براساس تأثیرات مستقیم

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

۵. ۱. تحلیل سناریوهای محتمل

از میان سناریوهای استخراج‌شده، ۱۵ سناریو از شدت بسیار زیاد در احتمال وقوع برخوردار هستند؛ به‌طوری‌که میزان امتیاز این ۱۵ سناریو بین ۱۷ تا ۲۵ است. لزوماً سناریوهای محتمل ترکیبی از شرایط بحرانی و مطلوب نیست؛ بلکه نتایج به داده‌هایی بستگی دارد که در پرسشنامه درمورد شرایط آتی توانمندسازی فقر شهری در بافت‌های ناکارآمد شهری آبادان

تکمیل می‌شود و این احتمال نیز وجود دارد که تمام سناریوهای محتمل همگی از شرایط مطلوب یا بحرانی یا میانه‌ای از آن‌ها باشد



شکل ۸. تعداد سناریوها براساس میزان ناسازگاری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۵. ۲. گزینش سناریوهای منتخب

در این پژوهش، سناریوهای با ناسازگاری «صفر» به‌عنوان سناریوهای قوی گزارش و سناریوهای با ناسازگاری «یک» به‌عنوان سناریوهای باورکردنی و سناریوهای با ناسازگاری «دو» به‌عنوان سناریوهای ممکن (ضعیف) گزارش شده است. در این سناریوها یک یا دو توصیفگر سازگاری درونی ندارد، اما هنوز باورکردنی به نظر می‌رسد. این سناریوها با هدف نشان دادن گشودگی سناریوهای باورکردنی و ممکن آینده گزارش شده‌اند، اما در تفسیر و استفاده از آن‌ها باید با احتیاط عمل کرد. پس از صحه‌گذاری و اعتبارسنجی توسط خبرگان چهار سناریو با عناوین فاجعه، در آستانه فاجعه، ایستا و طلایی، به‌صورت توصیفی نام‌گذاری شد. به‌دلیل ارائه تصویری روشن از نتایج به‌دست‌آمده، سناریوهای تدوین‌شده به صورت خلاصه در جدول ۵ آمده‌اند.

جدول۵. چهارسناریوی نهایی

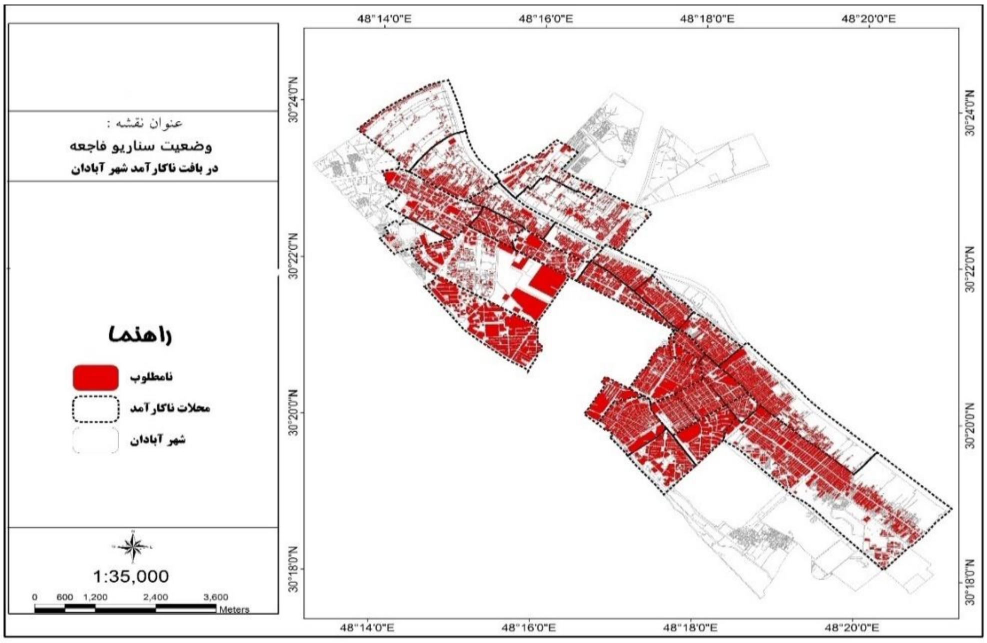
ماخذ: یافته های پژوهش، ۱۴۰۱

سناریو	عنوان سناریو	عدم قطعیت														
		سرمایه انسانی فقرا	مشارکت اجتماعی	تدوین راهبردهای ملی	فضای کسب و کار	تورم	سرمایه‌گذاری برای کاهش فقر	منطقه آزاد اروند	فساد	سرمایه‌گذاری در مسکن	حکمرانی شهری	بیکاری	الگوی اشتغال	توانمندسازی تعاون	سیاست‌های کلان	قیمت مسکن
اول	فاجعه	ارتقا نیافتن	کاهش	تدوین نشدن	افول	افزایش	کاهش	توسعه نیافتن	افزایش	کاهش	بد	افزایش	نامناسب	افول	نبود شفافیت	افزایش
دوم	در آستانه فاجعه	ادامه روند فعلی	کاهش	ادامه روند فعلی	ادامه روند فعلی	افزایش	کاهش	توسعه نیافتن	ادامه روند فعلی	ادامه روند فعلی	ادامه روند فعلی	افزایش	ادامه روند فعلی	افول	نبود شفافیت	افزایش
سوم	ایستا	ارتقا نیافتن	ادامه روند فعلی	ادامه روند فعلی	بهبود	ادامه روند فعلی	ادامه روند فعلی	ادامه روند فعلی	ادامه روند فعلی	افزایش	بد	ادامه روند فعلی	ادامه روند فعلی	ادامه روند فعلی	ادامه روند فعلی	افزایش
چهارم	طلایی	ارتقا	افزایش	ادامه روند فعلی	ادامه روند فعلی	ادامه روند فعلی	افزایش	توسعه	افزایش	افزایش	خوب	کاهش	مناسب و دانش بنیان	ادامه روند فعلی	شفافیت	افزایش

۵. ۳. ۱. سناریوی اول: سناریوی فاجعه در افق ۱۴۲۰

در این سناریو تمامی سطوح بررسی‌شده در ارتباط با فقر در بافت‌های ناکارآمد شهری مرتبط با نمونه موردمطالعه، رو به افول و کاستی خواهد گذارد. این سناریو، بدترین سناریوی محتمل به شمار می‌آید. براساس نتایج حاصل از این سناریو،وضعیت ۱۵ سطح کلیدی با وضعیت ارتقا نیافتن،کاهش (مرتبط با عوامل مثبت)، افول، افزایش عوامل بد (عوامل منفی)، نبود شفافیت مواجه هستند؛ به این ترتیب، تمامی پیشران‌های استراتژیک و کلیدی در شرایط بحرانی کامل هستند و در آن‌ها سیستم هیچ علائم مثبتی از تحرک و پویایی نشان نمی‌دهد؛ البته وقوع چنین احتمال نامطلوبی، هم از نظر منطقی ضعیف است و هم از نظر ارزش محاسباتی. درعین‌حال، خروجی تحلیل داده‌ها نه‌تنها احتمال وقوع چنین پدیده‌ای در ارتباط با توانمندسازی و فقر بافت‌های ناکارآمد شهری آبادان را دور از ذهن نمی‌داند، بلکه در مقایسه با سایر سناریوها باورکردنی به نظر می‌رسد و از احتمال وقوع بیشتری نیز برخوردار است. در این سناریو، آبادان بیش از هر زمان دیگری با مشکلات اجتماعی و فرهنگی متعددی مواجه است که مهم‌ترین آن، شکاف فاحش طبقاتی خانوارهای آبادانی است. خانوارهایی که طی سالیان گذشته و بحران‌های مختلف اقتصادی کشور، بیشترین هزینه سبد مصرفی‌شان صرف پرداخت اجاره مسکن و کالاهای اساسی در نتیجه بالا بودن مستمر تورم شده است؛ به‌طوری‌که سیاست‌های حمایتی دولت با هدف خانه‌دارکردن دهک‌های پایین اقتصادی و ساخت مسکن اجتماعی نیز جوابگوی نیاز مسکن نبوده است. علاوه‌بر آن‌ها، خانوارهای مهاجری که در محل سکونت خودشان نتوانستند به شغل و درآمدی برسند، راهی

آبادان شده‌اند. آن‌ها نیز از تهیه مسکن مناسب برای خود ناتوان هستند؛ بنابراین جذب منـاطق زاغه‌نشین می‌شوند یا در سازه‌های بی‌دوام و کم‌متراژ در بافت‌های درهم‌تنیده مناطق با حداقل برخورداری از خدمات شهری زندگی می‌کنند؛ درنتیجه شاهد تشدید تضاد فضـایی در سـطح شهر آبادان خواهیم بود که به ایجاد تنش شهری در این بافت‌ها منجـر خواهـد شـد. در اینجـا برای نشان دادن وضعیت سناریو بـه‌صـورت مـدل کـارتوگرافی از تلفیـق داده‌هـای مکـانی و توصیفی در محیط GIS استفاده شده و ارزش گذاری نیز براساس روش AHP انجـام گرفتـه است؛ بنابراین با توجه به نقشه ۹، سناریوی فاجعه و پوشش ۱۰۰ درصدی طبقه نـامطلوب در بافت‌های ناکارآمد آبادان، می‌توان این سناریو را «زوال حداکثری بافت‌های ناکارآمـد شـهری، افزایش گسترده فقر شهری و ناکارآمدی سیاست توانمندسازی سـاکنین بافـت‌هـای ناکارآمـد نفت شهر آبادان» نامید.



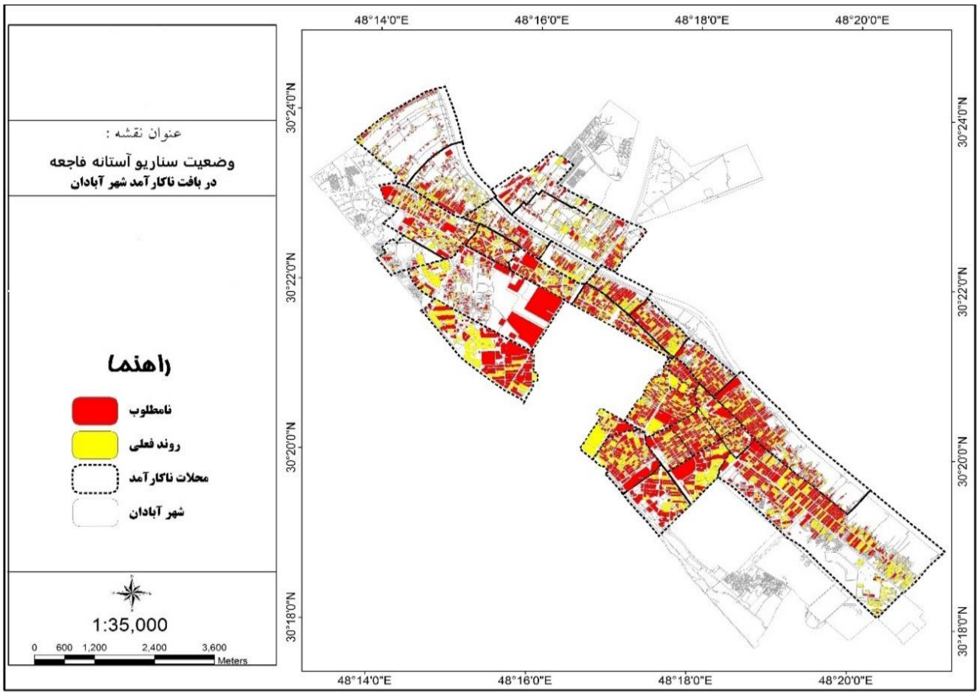
شکل ۹. وضعیت سناریوی فاجعه در بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

۵. ۳. ۲. سناریوی دوم: سناریوی در آستانه فاجعه در افق ۱۴۲۰

براساس نتایج، در سناریوی دوم در هشت حوزه زوال و تباهی فراتر از وضع موجود به وقوع خواهد پیوست. در هفت حوزه نیز ادامه وضع موجود پی گرفته خواهد شد. وضعیت شناسایی در این سناریو، اندکی مناسب‌تر از وضعیت شناسایی‌شده در سناریوی نخست پژوهش (فاجعه) است. وجه برتری این سناریو، بسیار جزئی بوده و تنها در هفت حوزه ادامه فرایند و روند موجود است، اما در هشت حوزه همچنان کاهش، افزایش (عوامل منفی)، توسعه نیافتن، افزایش (عوامل منفی)، افول و نبود شفافیت ادامه خواهد داشت. پهنه این سناریو در بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان ٦٥/٩ درصد نامطلوب و ٣٤/١ درصد روند فعلی حاکم است. براساس این سناریو، مدیریت محافظه‌کار و ضعیف بدون اندیشه توسعه، رکود منطقه آزاد اروند، کاهش سرمایه‌گذاری برای کاهش فقر، نبود مشارکت اجتماعی، افزایش تورم، افزایش بیکاری، افول رونق تعاون، شفاف نبودن سیاست‌های کلان اقتصادی و افزایش قیمت مسکن به وقوع خواهد پیوست. ادامه روندهای فعلی نیز در حوزه-های سرمایه انسانی فقرا، تدوین راهبردهای ملی، فضای کسب‌وکار، فساد، سرمایه‌گذاری در مسکن، حکمرانی خوب شهری و الگوی اشتغال به وقوع خواهد پیوست. این سناریو بیشتر متأثر از وضعیت الگوی اشتغال و مدیریت و حکمرانی خوب شهری است. سرمایه انسانی قشر فقیر به‌دلیل نبود آموزش باکیفیت تقویت نمی‌شود. به عبارت دیگر کارفرمایی دستمزد بیشتری به نیروی کار خود می‌دهد که بازدهی بیشتری داشته باشد و بیشتر تولید کند؛ بنابراین تولید بیشتر را کسی دارد که وارد دانشگاهی معتبرتر شده باشد یا دانش و مهارت بیشتری آموخته باشد. در این شرایط، افت وضعیت اقلیمی باعث رکود و افت کشاورزی خواهد شد و رکود کشاورزی نیز نرخ بیکاری را افزایش خواهد دارد. افزایش نرخ بیکاری باعث افزایش فقر و درنتیجه افزایش مهاجرت‌ها به حاشیه خواهد شد. مدیریت به‌شدت متمرکز، باعث سیاست‌های به‌شدن نامتوازن منطقه‌ای خواهد شد و این سیاست‌ها باعث بی‌توجهی بیشتر به سیاست‌های تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد می‌شود. از طرفی در زنجیره دیگر این شیوه مدیریت با حلقه ارتباطی نگاه بسیار بخشی‌نگر و ناعادلانه، علت ناهماهنگی و ناکارایی در مدیریت شهری است که این خود حلقه‌های بعدی یا پیامدهای بعدی مانند نبود حکمروایی

خوب شهری، فقدان نظارت دستگاه‌های نظارتی هم بر محدوده شهر و هم بر اجرای طرحهای شهری را ایجاد می‌کند که درنهایت بـه گسـترش بـیش از پـیش و خـودروی سـکونتگاه‌های غیررسمی منتهی می‌شود. در ایـن سـناریو، گسـترش فقـر در بافـت‌هـای شـهری ناکارآمـد و گسترش حاشیه‌نشینی به‌سرعت و روندی مبتنی بر گذشته (با سـرعتی کمتـر از سـناریوی اول پژوهش) دور از انتظار نخواهد بود.



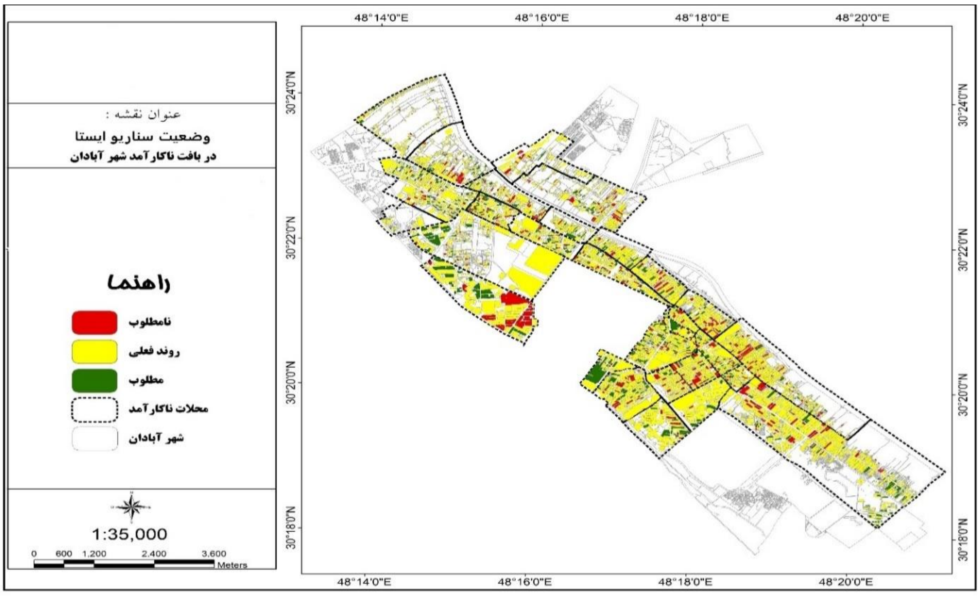
شکل ۱۰. وضعیت سناریوی آستانه فاجعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

۵. ۳. ۳. سناریوی سوم: ایستا (ادامه وضع موجود تا افق ۱٤۲۰)

این سناریو در شکل ۱۱ دربارهٔ وضعیت پهنه‌بندی توانمندسـازی و گسـترش فقـر ترسـیم شده است که ۱۰/۱ درصد از پهنه ناکارآمد شهر آبادان از لحاظ فقر شهری وضعیت نـامطلوب دارد، ۷۸/٤ درصد از این پهنه روند فعلی را ادامه خواهد داد و ۱۱/۵ درصد وضعیت مطلـوب

دارد و تحقق توانمندسازی و کاهش فقر شهری در این مقدار انجام پذیرفته است؛ درنتیجه در سه حوزه روند زوال فراتر از وضع موجود ادامه خواهد یافت. حوزه‌های یادشده شامل سرمایه انسانی (بهداشت، تغذیه، آموزش)، حکمرانی خوب شهری و قیمت مسکن است. در ۱۰ حوزه ادامه روند فعلی محقق خواهد شد. در دو حوزه نیز شاهد بهبود وضعیت خواهیم بود که حوزه‌های بهبود شامل فضای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در مسکن است؛ مجموعه شرایطی که به نظر می‌رسد، اندکی شرایط را در مقایسه با وضع موجود ارتقا می‌دهد. درحقیقت به نظر می‌رسد، در این سناریو بهبود عمومی در دو حوزه فضای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در زمینه مسکن، به‌رغم ادامه روند فعلی در بیشتر حوزه‌ها، بتواند تاحدودی مقوله فقر و توانمندسازی را در بافت‌های ناکارآمد شهری رو به بهبود حرکت دهد. از طرف دیگر، سرمایه‌گذاری در بخش مسکن از طریق سازوکارهای مختلف نظیر وام‌های بانکی مرتبط با نوسازی بافت فرسوده، بتواند روند سرمایه‌گذاری و توسعه توانمندسازی بافت‌های ناکارآمدرا تاحدودی فراتر از روند جاری فعلی تقویت کند؛ البته نکته مهمی که در این زمینه و به‌واسطه تحقق سناریوی سوم رخ خواهد داد، ایجاد انگیزه مهاجرت، سکونت جمعیت کمتر برخوردار در حاشیه‌ها و بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان خواهد بود؛ جمعیتی که توان اقتصادی زیادی ندارد و به سکونت و ساخت مسکن ارزان‌قیمت (ناپایدار) تمایل دارد که خود می‌تواند موجب افزایش بیشتر بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان در آینده شود. وضعیت ایران در قالب این سناریو در شاخص‌های پاسخ‌گویی و حق اظهارنظر، ثبات سیاسی و نبود خشونت/تروریسم، کیفیت تنظیم‌کنندگی و حاکمیت قانون، درصد بسیار ناچیزی بهبود یافته است و کشور در دو شاخص اثربخشی دولت و مهار فساد تفاوت محسوسی را تجربه نکرده است. به‌رغم تلاش زیاد دولت‌ها در حوزه‌های مختلف و گاهی رسیدن به دستاوردهای قابل‌قبول و دفاع‌کردنی، همچنان تا نقطه مطلوب یعنی حکمرانی خوب فاصله زیاد و معناداری دارند.



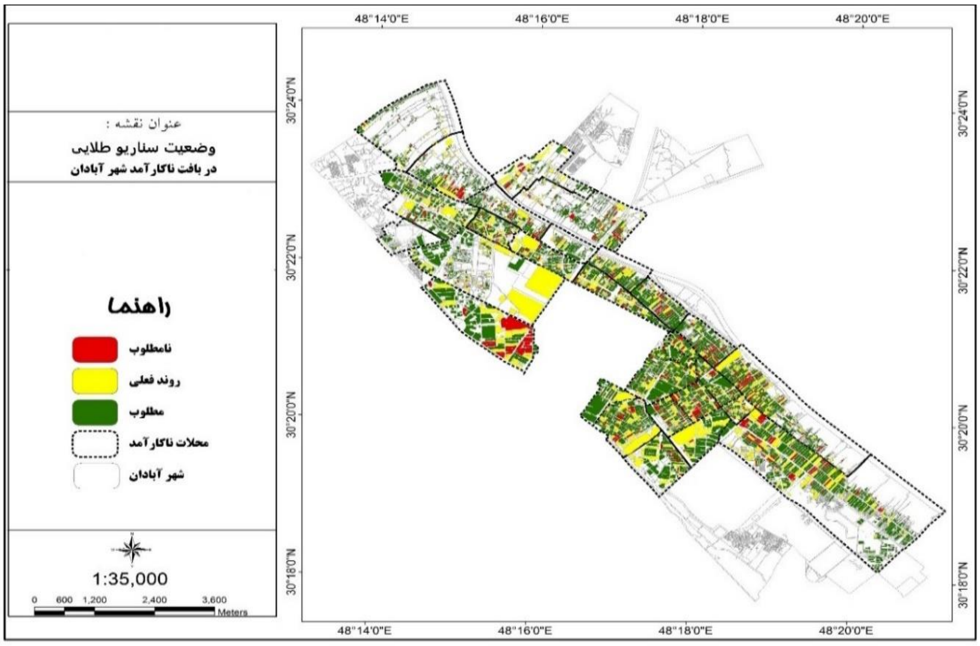
شکل ۱۱. وضعیت سناریوی ایستا

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

۵. ۳. ٤. سناریوی چهارم: سناریوی طلایی پژوهش در افق ۱٤۲۰

سناریوی توانمند بودن فقرای ساکن در بافت‌های ناکارآمد شهر آبادان است. در روش آینده‌پژوهی، هر سناریو مسیری را نشان می‌دهد؛ مسیری که برای قدم گذاشتن و حرکت در آن وجود لوازمی ضرورت دارد. مسیر سناریوی طلایی پژوهش حاضر نیز از این امر تبعیت می‌کند و پیش‌نیازهایی لازم دارد. با توجه به نتایج، مهم‌ترین این پیش‌نیازها در دو محور اجتماعی و اقتصادی خلاصه شده‌اند. در این راستا برای نیل به این سناریو یعنی توانمندسازی فقر موجود در بافت‌های ناکارآمد باید به سمت رونق اقتصادی و بهبود عوامل اجتماعی از سطح ملی تا منطقه‌ای و محلی حرکت کرد. برای به وقوع پیوستن این سناریو باید شاهد رشد اقتصادی پایدار و مناسب بود، که این رشد تنها با ایجاد تحول در بهره‌وری نیروی انسانی فقرا امکان‌پذیر است. افزایش سرمایه انسانی فقرا زمینه را برای کاهش نابرابری فراهم می‌کند و به این ترتیب فقرا به‌طور مستقیم منتفع می‌شوند.

پوشش سناریوی طلایی در بافت‌های ناکارآمد شهر آبادان بـا ۱۰/۱ نـامطلوب، ۳۱/۹ ادامـه روند فعلی و ۵۸ درصـد رونـد مطلـوب خواهـد بـود. در سـناریوی چهـارم، تغییـر عملکـرد متغیرهای کلان سیاسی (سیاست‌های کلان)، متغیرهای اقتصادی (کاهش بیکاری، ارتقای الگوی اشتغال، توسعه فضای کسب‌وکار، توسعه منطقه آزاد اروند)، ارتقـای متغیرهـای عملکردهـای اجتماعی (سرمایه‌گذاری برای کاهش فقـر و مشـارکت اجتمـاعی) و در سـطح خـرد توسـعه حکمرانی خوب شهری مـی‌توانـد باعـث ارتقـای عملکـرد توانمندسـازی و کـاهش فقـر در بافت‌های ناکارآمد منطقه موردمطالعه شود. مطابق با وضعیت این سناریو قیمت مسکن و فساد (در سطوح مختلف) همچنان در حال افزایش است. در ارتباط بـا مقولـه قیمـت مسـکن بایـد خاطرنشان کرد که افزایش قیمت زمـین و مسـکن (در سـطوح منطقـی و نرمـال) لـازم اسـت افزایش یابد تا سازوکارهای عرضه و تقاضـا و جـذابیت بـرای سـرمایه‌گـذاری در ایـن بـازار همچنان ادامه یابد. نکته بسیار بااهمیت در ارتباط با ایـن سـناریو، مقولـه فسـاد اسـت؛ یعنـی توسعه توانمندسازی بافت‌های فرسوده و کاهش فقر در ایـن محـدوده‌هـا، هرچنـد بتوانـد در کوتاه‌مدت با وجود فساد ادامه یابد، اما بـه‌طور قطـع فسـاد بـه‌عنوان پدیـده‌ای پیش‌رونـده در بلندمدت دستاوردهای هرگونه توسعه‌ای را در خود خواهد بلعید و نمی‌توان با وجود فساد به توسعه به‌عنوان فرایندی پایدار اندیشید. براساس نتایج این پژوهش، در افق بیست سـال آینـده نقش عوامل کلان اقتصادی در توانمند شـدن فقـرای شـهری بسـیار پررنـگ‌تـر خواهـد بـود؛ برخلاف نتایج پژوهش‌های مشابه که عوامل محلی در این زمینه تأثیرگـذار دانسـته‌اند؛ چراکـه بدون اصلاح سیاست‌های کلان اقتصادی و اجتماعی توانمندسازی درعمل بـا شکسـت مواجـه می‌شود.



شکل ۱۲. وضعیت سناریوی طلایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠١

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آینده‌نگاری توانمندکردن ساکنین فقیر بافت‌های ناکارآمد، حوزه‌ای است که نتایج آن کاربرد زیادی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مربوط به کاهش فقر و رسیدن به توسعه پایدار دارد. درواقع، استفاده از آینده‌نگاری و نتایج آن در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و راهبردی و حتی برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت برای مبارزه با فقر افسارگسیخته، باعث می‌شود که منفعلانه به سمت آینده پیشروی نشود و با آگاهی نسبی از اوضاع و شرایط، آینده فقرا ساخته شود. پژوهش حاضر در زمینه آینده‌نگاری کاهش فقر شهری و افزایش کیفیت زندگی در بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان است؛ زمینه‌ای که تاکنون به صورت جدی مطالعه نشده است. با توجه به اینکه در شرایط فعلی وضعیت فقر شهری در بافت‌های ناکارآمد نفت شهر آبادان وضعیت مطلوبی ندارد، تلاش برای بهبود این وضعیت درخور توجه است. شناسایی، تحلیل و فهم نیروهای پیشران، کلان‌روندها و روندهایی که مؤثر بر آینده توانمندسازی فقرا و

کاهش فقر شهری هستند، برای دریافت نمایی کلی از آیندهٔ درحال‌ظهور ضروری است. امروزه تغییرات سریع‌تر به وقوع می‌پیوندد. در این پژوهش چهار سناریو محتمل به دست آمد و سناریوهای ممکن و مطلوب با اتکا بر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کلان، به‌ترتیب می‌توانند باعث ارتقای عملکرد توانمندسازی و کاهش فقر در بافت‌های ناکارآمد منطقه موردمطالعه شوند.

در تمامی سناریوهای یادشده، وضعیت دو شاخصه عمده فساد و قیمت مسکن به سمت افزایش منفی پیش خواهد رفت. در ارتباط با مقوله فساد به نظر می‌رسد، حتی خوش‌بینانه‌ترین تحلیل‌ها هم گونه‌ای از مدیریت در حوزه سیاسی-اقتصادی فارغ از فساد را پیش‌بینی نمی‌کنند؛ امری که دارای ریشه‌های قوی ساختاری در کشور است و برخورد با آن به عزم و اراده‌ای خارج از سیستم کنونی نیاز دارد. فساد، عامل حکمرانی ضعیف است. این پدیده باعث تحلیل رفتن محیط سرمایه‌گذاری می‌شود. چنین پدیده‌ای هزینه‌های بسیار زیادی را بر اقشار فقیر جامعه که منابع کمتری برای پرداخت رشوه دارند، تحمیل می‌کند. در مرتبه بعدی، مقوله قیمت مسکن همچنان در تمام سناریوها رو به رشد و افزایش بوده است؛ امری که قابلیت تفسیر دوگانه دارد: نخست، رشد منطقی قیمت مسکن در شرایط رونق اقتصادی مثبت و حتی ضروری است؛ افزایش قیمتی که انگیزه سرمایه‌گذاری در این بخش را ایجاد می‌کند. از طرف دیگر، رشدهای افسارگسیخته این بخش آن‌گونه‌که در سال‌ها و دهه‌های اخیر روی داده است، انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش ساختوساز، نگهداری، بهسازی و نوسازی و درمجموع توانمندسازی در این حوزه را به انگیزه دلالی و معامله‌گری تقلیل می‌دهد؛ فرایندی مضر و مخالف با اهداف کاهش فقر و توانمندسازی بافت‌های ناکارآمد آبادان که باید از آن جلوگیری شود. یکی از ابعاد مهم استراتژیک مرتبط با این سناریوها، توسعه حکمرانی خوب شهری، به‌عنوان متغیری محلی، اما به‌شدت تأثیرگذار بر فرایند توانمندسازی فقر بافت‌های ناکارآمد شهری است؛ زیرا حکمرانی شهری با اعمال سیاست‌های واقع‌بینانه و منصفانه در حوزه بافت‌های ناکارآمد، همراهی و هماهنگی ساکنین و متولیان توانمندسازی ساکنین فقیر بافت‌های نآکارآمد را هماهنگ می‌کند.

مهم‌ترین پیشنهادهای پژوهش عبارت‌اند از:

- ایجاد شرکت‌های کسب‌وکار اجتماعی در این بافت‌ها (درآمد این شرکت‌ها با تأثیرگذاری بر جامعه‌ای همراه است که در آن کار می‌کنند. این شرکت‌ها سازمان‌های مردم‌نهاد و بنیادهای بشردوستانه نیستند)؛
- افزایش بودجه و شبکه‌سازی در اجرای کامل برنامه ملی بازآفرینی شهری در برنامه هفتم توسعه؛
- حمایت از تولید و بسترسازی برای تولید ملی با دید بلندمدت. به‌طور قطع، در کشوری که تولیدات فراوان و باکیفیت باشد، نه‌تنها مشکل بیکاری حل می‌شود، بلکه فراوانی کالا به کاهش نرخ‌ها و درنتیجه کاهش رشد فقر نیز می‌انجامد؛
- مقابله با رشد زیاد تورم، اصلی‌ترین راهکار دولت برای حمایت از توانمندسازی ساکنین فقیر بافت‌های ناکارآمد در افق کوتاه‌مدت و حتی بلندمدت است.
- استفاده از پتانسیل شغلی پتروشیمی‌ها و منطقه آزاد اروند و همچنین گردشگری پزشکی برای کاهش بیکاری؛
- توسعه منطقه آزاد اروند و تلاش برای خلق محیط‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مناسب برای زندگی و کار و جذب سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- توسعه حکمروایی الکترونیک بین شهرداری‌ها و فرمانداری‌های آبادان برای ایجاد یک شهر همگرا؛
- قوانین و مقرارت مالی و اداری با دیدی پیشگیرانه و سپس با نگاه مبارزه با فساد اصلاح و بازبینی شده و فرایندهای انجام امور به شکل شفاف و جامع تدوین شوند؛
- کنترل نقدینگی، ثبات اقتصاد کلان،کاهش تورم، افزایش ساخت و ساز و اعمال پایه‌های مالیاتی در بخش مسکن می‌تواند به ایجاد آرامش در بازار مسکن و تأمین مسکن برای کم‌درآمدهای ساکن در این بافت‌ها منجر می‌شود.

کتابنامه

۱. بانک جهانی. (۱۳۸۱). *گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۰ -۲۰۰۱ مبارزه با فقر* (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و دیگران، مترجم) (چاپ اول). تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

۲. بزرگوار، ع. ر.، زیاری، ک.، و تقوایی، م. (۱۳۹٦). سنجش مکانی پهنههای فقر شهری در شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر جدید هشتگرد). *فصلنامه علمی-پژوهشی مجلس و راهبرد، ۲٤*(۹۲)، ۵-۲۷.

۳. بلانچارد، ک.، کارلوس، ج.، و راندولف، آ. (۱۹۹٦). *مدیریت تواناسازی کارکنان* (م. ایران‌نژاد پاریزی، مترجم) (چاپ دوم). تهران: انتشارات مدیران.

٤. بمانیان، م. ر.، رضایی‌راد، ه.، و منصور رضایی، م. (۱۳۹۰). ارزیابی خصیصه‌های اقتصادی در شناسایی گستره‌های فقر شهری با استفاده از تکنیک Delph و AHP شهر کاشمر. *فصلنامه مدیریت شهری، ۹*(شماره ویژه نامه)، ۱٦٦-۱۵۳.

۵. پوراحمد، ا.، و کلانتری خلیل‌آباد، ح. (۱۳۸٤). *فنون و تجارب برنامه‌ریزی و مرمت بافت تاریخی شهرها*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.

٦. حیدرمنش، ش.، صابری، ح.، اذانی، م.، و گندمکار، ا. (۱٤۰۱). تحلیل پراکنش فقرشهری در بافت‌های ناکارآمد با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (مطالعه موردی: نفت شهر آبادان). *مطالعات ساختار و کارکرد شهری ، ۹*(۳۲)، ۷-۳۳.

۷. خان محمدی، ع.، سرور، ر.، و استعلاجی، ع. ر. (۱٤۰۰). تدوین سناریوهای آینده اسکان غیررسمی پهنه جنوبی حریم کلانشهر تهران. *فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۱۱*(۳)، ٤٤۷-٤۲۳.

۸. خیرالدین، ر.، و صلاحی مقدم، ع. ر. (۱٤۰۰). توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی با گذر از رویکرد نیازمبنا به دارایی مبنا (موردکاوی محله فرحزاد تهران). *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، ٦(۱۷)، ۲۹-۵۸.

۹. رضایی، م. ر.، علیان، م.، و خاوریان، ا. ر. (۱۳۹۳). شناسایی و ارزیابی گستره‌های فضایی فقر شهری در شهر یزد. *مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ٤٦(۳)، ٦۷۷-٦۹۵.

۱۰.روستایی، ش.، زاد ولی، ف.، و زاد ولی خواجه، ش. (۱۳۹٤). تحلیل فضایی پراکنش فقر اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین (نمونه موردی: مناطق حاشیه‌نشین شمال شهر تبریز. *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۱*(۱)، ۱-۲٦.

۱۱. زاهدی، ش.، و نجفی، غ. ع. (۱۳۸۵). بسط مفهومی توسعه پایدار. *فصلنامه مدرس*، ۱۰(٤)، ٤۳–۷٦.

۱۲. زبردست، ا.، و رمضانی، ر. (۱۳۹۵). سنجش فقر شهری و ارتباط آن با دسترسی به خدمات شهری در شهر قزوین. *نشریه هنرهای زیبا -معماری و شهرسازی*، *۲۱*(۲)، ٥٤–٤٥.

۱۳. شادی طلب، ژ.، وهابی، م.، و رمزیار، ح. (۱۳۸٤) ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فقر و نابرابری در ایران، فقردرآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار. *رفاه اجتماعی*، (۱۷)، ۲٤۸–۲۲۷.

۱٤. شاطریان، م.، محمدی، ا.، و مؤمن بیک، ز. (۱۳۹٦). بررسی تأثیر معیارهای اجتماعی و کالبدی بر توانمندکردن محلات شهری (مطالعه موردی: محله بازار شهر کاشان). *برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)*، *۷*(۱)، ۲۱–۱.

۱٥. شماعی، ع.، و پوراحمد، ا. (۱۳۸٤). *بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱٦. صالحی امیری، س. ر.، و خدایی، ز. (۱۳۹۰). ویژگی‌ها و پیامدهای اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی شهری (نمونه موردی: کلانشهر تهران). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، *۱*(۳)، ٦٥–۸۰.

۱۷. عیسی زاده، ا.، پریزادی، ط.، و عیسی‌زاده، و. (۱٤۰۱). توانمندسازی محلات دارای فقر شهری (مطالعه موردی: محله اسماعیل‌آباد، منطقه ۱۹ شهرداری تهران). *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲٦(۸۱)، ۱۷۱–۱٥۱.

۱۸. معیدفر، س. (۱۳۹٤). *طراحی مدل توانمندسازی و ایجاد اشتغال برای اقشار متوسط و کم درآمد جامعه با تکیه بر مشاغل خانگی و تعاونی‌ها*. طرحی برای مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

۱۹. موحد، ع.، ولی نوری، س.، حاتمی‌نژاد، ح.، زنگانه، ا.، و کمانرودی کجوری، م. (۱۳۹٥). تحلیل فضایی فقر شهری در کلانشهر تهران. *فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، *٥*(۱٥)، ۳٦–۱۹.

۲۰. نارایان پارکر، د. (۱۳۹٤). *توانمندسازی و کاهش فقر (کتاب مرجع بانک جهانی)* (ف. پوراصغر سنگاچین، و ج. رمضانی، مترجمان). تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

21. Ahmed, Z., Wasif Zafar, M., & Danish, S. A. (2020). Linking urbanization, human capital, and the ecological ftprint in G7 countries: An empirical analysis. *Sustainable Cities & Society*, *55*, 102064.
22. Conger, J., Rabindra, N., & Kanungo, H. (1998). The empowerment process: Integrating theory and practice. *Academy of Management Review*, *13*(3), 471-782.
23. Eko Prasetyo, P. T. (2021). A simple mitigation model of poverty reduction in Indonesia. *Journal of Business and Management*, *9*(6), 2742-2758.

24. Filakati, I. C. (2022). Economic growth and its pro-poorness in Zambia 2006-2015: To what extent. *Theoretical Economics Letters*, *12*(2), 420-433.
25. Foy, N. (1997). *Empowering people at work*. Cambridge: Gower.
26. Krishna A., Sjoblom, D. K., & Alsop, R. J. (2000). *A inclusion and local elected goverments: The Panchayat Raj system in India*. Washington, D. C.: World Bank Group.
27. Narayan, D., Chambers, R., Shah, M., & Petesch, P. (2000). *Voices of the poor, crying out for change*. Oxford: Oxford University Press.
28. Narayan, D., Patel, R., Schafft, K., Rademacher, A., & Koch-Schulte, S. (1999). *Voices of the poor. Vol. 1, Can anyone hear us?: Voices from 24 countries*. Poverty Group, PREM World Bank.
29. Schoell, W., Dessler, G., & Reinecke, J. (1993). Introduction to business. USA: Allyn & Bacon.
30. Spreitzer, G. M., (1995). Psychological empowerment in the workplace: Dimensions, measurement, and validation. *The Academy of Management Journal*, *38*(5), 1442-1465.
31. Thomas, K. W., & Velthouse, B. A. (1990). Cognitive elements of empowerment: An interpretive model of intrinsic task motivation. *Academy of Management Journal*, *15*(4), 666-681.